

نسخه توراتشاهی کلیات سعدی

سید امیر حسن عابدی *

یکی از نسخه‌های خطی نادر که در مرکز میکروفیلم نور، رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، دهلی نو، نگهداری می‌شود، نسخه خطی کلیات سعدی است. مالک این نسخه شاه مصطفی احمد بر صفحه اول یک نظم هندی نوشته است که این طور شروع می‌شود:

نت رو نیا دکهانیاوالا

علاوه بر این، نسخه نامبرده دارای چند مهر است که کسی آنها را خراب کرده است. گذشته از این بر ورق ۴۲۲ این عبارت است:

”مدارالملک هدایت احمد... به قلم معین الدین احمدی ۱۲۶۵ هجری“

معین‌الحافظ نسخه نامبرده را در ماه شعبان در سال ۷۷۰ هجری (۱۳۶۹ م) به خط ریز مخلوط از نسخ و نستعلیق و شکسته برای توراتشاه^۱، وزیر شاه شجاع^۲ کتابت کرده است. در یک صفحه به خط مطلقاً و مذهب جلی نسخ، القاب و آداب ذیل توراتشاه کتابت گردیده است. متأسفانه دو سطر اول کلاً از بین رفته است:

”الشیخ العارف، قدوة الازباب محققین، املح فصحاء المتکلمین، مشرف الملة و الدین، مصلح السعدی، رحمة الله الیه (علیه) بالامرالعالم، المنخدوم الاعظم، الصاحب الاعلم، مشید معانی الجود و الکریم، افخم اعظام الوزراء، مؤید

* استاد ممتاز فارسی دانشگاه دهلی، دهلی.

۱. راهنمای همیشه نو.

۲. وفات: ۷۸۷ هجری/۱۳۸۵ میلادی.

۳. ۷۸۶-۷۵۹ هجری/۱۳۸۴-۱۳۵۸ میلادی.

صنادیدالوری، ناصب اعلام المجد و الكمال و الجلال، رافع اعلام المجد و الكمال، ملأذ بریة الاله، جلال الدین و الدین، تورانشاه، خلدالله ظلال عاطفته و مرحمته علی كافة الانام و اعلا شأنه

اکنون درباره شخصیت تورانشاه مختصراً از کتاب دکتر قاسم غنی نقل می‌شود: "جلال‌الدین تورانشاه از ۷۶۶ (هجری) تا سال وفات شجاع یعنی ۷۸۶، از وزرا و مقربان و محارم درگاه او بود. تا آنجا که شاه شجاع در مرض مرگ خود... سفارش او بر ولیعهد خویش سلطان زین‌العارفرین می‌کرد. چند ماهی هم در دوره سلطان زین‌العابدین از رجال درجه اول دربار سلطنت بود، تا آنکه در روز سه‌شنبه، بیست و یکم صفر ۷۸۷ هجری وفات یافت".

"خواجه جلال‌الدین تورانشاه، یکی از ممدوحین خواجه حافظ است که مکرر مورد مدح او واقع شده و اضافه بر چندین غزل و قطعه که صریحاً نام او در آنها برده شده است، به ظن قوی یک قسمت از غزلهایی که نام آصف عهد، آصف دوران، خواجه آصف ثانی، آصف ملک سلیمان... دارد، راجع به اوست. از مجموع این مدایح به دست می‌آید که وزیر مذکور به خواجه حافظ محبت داشته و در مدت طولانی وزارت خود همیشه به او نیکی نموده است".

یکی از مزایای نسخه نامبرده در داشتن «ذ» فارسی است که مرتب در کتابت صرف شده است.

اکنون محتویات نسخه تورانشاه به ترتیب ذکر می‌شود. در این زمینه از دو کتاب معتبر و مستند ذیل استفاده گردیده است:

۱. کلیات سعادی، مطابق نسخه تصحیح شده محمد علی فروغی، مؤسسه انتشارات نگاه، تهران، ۱۳۷۲ ه.ش.
۲. کلیات سعادی، با ترجمه قصادی عربی، با مقدمه آقای عباس اقبال آشتیانی، پاریس، دی‌ماه ۱۳۱۶ ه.ش، نقل از شماره ۱۲-۱۱، هفتمین سال مجله «تعلیم و تربیت».

۱. غنی، دکتر قاسم: تاریخ عصر حافظ، انتشارات زوار، تهران، ۱۳۶۶ ه.ش، ص ۲۶۸.

۲. همان، ص ۲۱۸.

علاوه بر این گاه‌گاهی از یک نسخه چاپی بمبئی (علی بهانی شرف علی ایندا کمپنی، مالکان مطبع محمدی، بمبئی (رجب ۱۳۸۱ ه/دسمبر ۱۹۶۱ م) نیز استفاده شده است.

نسخه تورانشاهی کلاً نقل از قدیم‌ترین نسخه خطی کلیات سعادی است که در سالهای ۷۲۶ و ۷۳۴ هجری (۳۴-۱۳۲۶ م) کتابت گردیده است. حتی مقدمه این نسخه از آنجا گرفته شده است که در نسخه آشتیانی هم موجود است. اما پس از اتمام مقدمه کتاب این نسخه اضافه‌ای کرده است که در نسخه آشتیانی نیست:

"پس بدان ای عزیز که بر بیست و دو کتاب نهاده بود. و رساله شانزده کتاب و شش رساله، بعضی هفت رساله نوشته بودند، سبب آنک رساله مجلس هزل هم در اول اضافه رسالات کرده بودند. بنده این رساله از اول کتاب به آخر برد و داخل منشآت و مطبوعات کرد که در اول خوش نمی‌بود، تا بیست و دو شد. و باقی را هیچ تصرف نکرد و هم بدان ترتیب به اتمام رساند".

پس از مقدمه، فهرست رسالات مشتمل بر شش رساله ذیل است:

الاول	الثانی	الثالث
در تقریر دیباچه	در مجالس پنجگانه	در سؤال صاحب دیوان
الرابع	الخامس	السادس
در عقل و عشق	در نصیحت‌الملوک	در رسالات ثلاثه
بعد از آن این سه هستند:		

اول	دوم	سوم
سلطان اباقی	ایکتا نو	ملک تاریلو

در قسمت گلستان، نسخه‌های فروغی و آشتیانی این سطر را دارند که در نسخه خطی نیست:

چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان

چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان

علاوه بر این نسخه‌های فروغی و آشتیانی شامل مصرع ذیل‌اند:

کمال هم‌نشین در من اثر کرد

در صورتی که در نسخه تورانشاهی «جمال هم‌نشین در من اثر کرد» است. گذشته از این نسخه‌های فروغی و آشتیانی شامل این حکایت است که در نسخه تورانشاهی نیست:

«یکی از مشایخ شام را پرسیدند از حقیقت تصوف»!

نسخه‌های فروغی و آشتیانی دارای واژه «حکایت» است، در صورتی که در نسخه تورانشاهی به جای «حکایت» عنوان «خشکسالی در اسکندریه» است. نسخه‌های فروغی و آشتیانی، دارای دو بیت ذیل‌اند که در نسخه تورانشاهی نیست:

گر گزندت رسد تحمل کن که به عفو از گناه پاک شوی

*

ای برادر چو خاک خواهی شد خاک شو پیش از آن که خاک شوی

در حکایت دو درویش خراسانی این بیت سوم که در نسخه تورانشاهی هست در نسخه‌های فروغی و آشتیانی نیست:

تنور شکم دم به دم تافتن مصیبت بود روز نابافتن

در باب پنجم نسخه‌های فروغی و آشتیانی عبارت ذیل آمده:

یکی دوستی را که زمانها ندیده بود گفت "کجایی که مشتاق بوده‌ام". گفت: "مشتاقی به که ملولی".

در صورتی که در نسخه‌های نامبرده همین عبارت این طور است:

یکی از دوستان را که زمانها ندیده بود، گفت: "کجایی که مشتاق بوده‌ام". گفت: "مشتاق به که ملول".

در بوستان، نسخه‌های فروغی و آشتیانی لفظ «حکایت» را به طور عنوان دارند، در صورتی که در نسخه تورانشاهی عنوان این حکایت داده شده است، مثل:

پند دادن هرمنز، کسری را در تعریف خده‌تکاران قدیم.

حکایت تدبیر پادشاهان و تأخیر در سیاست، در شناختن ملوک دوست و د راه، در معنی شفقت ملوک بر مسکینان، در قسمت قصاید، نسخه‌های فروغی و آشتیانی شامل قصاید ذیل می‌باشند که در نسخه تورانشاهی دیده نمی‌شود:

تغزل و ستایش صاحب دیوان:

من آن بدیع صفت را به ترک چون گویم

در ستایش ترکان خاتون و پسرش اتابک محمد:

چه دعا گویمت ای سایه میمون همای

تغزل و ستایش صاحب دیوان:

شبی و شمعی و گوینده‌ای و زیبایی

در ستایش ابوبکر بن سعد:

وجودم به تنگ آمد از جور تنگی

علاوه بر این، قصیده ذیل نسخه فروغی در نسخه‌های تورانشاهی و آشتیانی نیست:

تغزل در ستایش شمس‌الدین محمد جوینی صاحب دیوان:

نظر دریغ مدار از من ای مه منظور

عنوان «الملمعات» که در نسخه تورانشاهی و آشتیانی موجود است، در فروغی نیست. برخلاف این، عنوان «المثلثات» در نسخه‌های تورانشاهی و فروغی است و در نسخه آشتیانی گنجانیده نشده است.

بزرگترین ارزش نسخه تورانشاهی در داشتن مقطعات و رباعیات و متفرقات است که در نسخه‌های فروغی و آشتیانی گنجانیده نشده است. در اینجا فقط شعرا قطعه و مصرع اول رباعی نقل می‌شود:

مقطعات

به خردان مفرمای کار درشت که سندان نشاید شکستن به مشت

*

دل ز کف رفته بود و کار از دست خیره نتوان گذاشت یار از دست

*

شیندهام که درین روزها کهن پیری خیال بست به پیرانه سر که گیرد جفت
 *
 ای که پرسیدنم از حال بنی آدم و دیو من چرا بیت نگویم که دل از کف ببرد
 *
 بسی سال باید نگهداشت مرد که روزی به کار آیدت در نبرد
 *
 عدو را به کوچک نباید شمرد که کوه گران دیدم از سنگ خرد
 *
 خردمند باشد جهان دیده... د که بسیار گرم از خودست... د
 *
 اگر نیک دستی مرو پیش یار اگر سیم داری بیا و بیار
 *
 بلغت عظیم القدر اعز الوری و قدرک عند الله اعلی و اجمل
 *
 از اندازه بیرون مرو پیش زن نه دیوانه‌ای تیغ بر خود مزن
 *
 تا دل دوستان به دست آری بوستان را به زر فروختن به
 *
 آن روز که خط شاهدت بود صاحب نظر از نظر براندی
 *
 رعیت درخت است اگر روزی به کام دل دوستان بر خوری
 *
 طعام ار لطیف و اگر برسری
 چو دیرت به دست افتدت خوش خوری

رباعیات

خیری که برآیدت به توفیق از دست در حق کسی کن که درو خیری هست
 ور زانک به خون مردمان تشنه نه‌ای شمشیر مده به دست دیوانه و مست
 در نسخه‌های فروغی و آشتیانی دو مصرع اول این رباعی در ذیل مفردات داده شده
 است، در صورتی که در نسخه تورانشاهی این به صورت رباعی آمده است:

زنده شود هر که نزد دوست بمیرد

*

فراق یار به یک بار بیخ صبر کند

*

کس با تو مخالفت نتواند

*

گر من شبکی زان تو باشم چه شود^۱

*

ای راهروان را گذر از کوی تو نه

رباعی ذیل در نسخه تورانشاهی و آشتیانی «دیوار چه حاجت که منقش بودی» در
 نسخه‌های فروغی و آشتیانی این طور آمده است:

دیوار چه حاجت که منقش باشد

مفردات

مروّت نباشد برافتاده زور برد مرغ دون دانه از پیش حور

*

من سخن راست نبشتم اگرش راست بخوانی

فقط مصرع دوم

کافتند که بار دگر بر خاک ما گذری؟

۱. این رباعی در نسخه چاپی بمبئی آمده است (کلیات مصاح الذین سعادی شیرازی، مطبع محمدی، بمبئی، رجب

۱۳۸۱ هـ/دسامبر ۱۹۶۱ م).

۱. هر چه سعی کردیم، این لفظ خوانده نشد.

۲. خواننده نشد.

در نسخه‌های فروغی و آشتیانی و بمبئی این بیت در مفردات داده شده است: خیری که برآیدت به توفیق از دست در حق کسی کن که درو خیری هست در صورتی که در نسخه خطی تحت رباعیات آمده و دو مصرع آخر آن ضمن رباعیات داده شده است.

علاوه بر این در نسخه‌های فروغی و آشتیانی و بمبئی این شعر «مردی نه به قوت است و شمشیر زنی» در نسخه تورانشاهی این طور آمده است: مردی نه به قوت است و شمشیر زدن

نسخه آشتیانی شامل مثنوی «کریم» است که در نسخه‌های تورانشاهی و فروغی نیست. غالباً سعدی گجراتی مصنف این مثنوی است. سعدی گجراتی معاصر سعدی شیرازی بوده یا پس از وی متولد شده است. مؤلف خمخانه جاوید تفصیلاً درباره این شاعر نوشته است. وی هم فکر می‌کند که شاید همین سعدی گجراتی مثنوی «کریم» را تصنیف کرده است.^۱

در آخر از آقای دکتر مهدی خواجه پیری، رئیس مرکز میکروفیلم نور تشکر می‌نمایم که این نسخه گرانها را در اختیار بنده گذاشتند و در تصحیح متن خیلی کمک فرمودند.

منابع

۱. سری رام، لاله: تذکره هزار داستان، معروف به خمخانه جاوید، جلد چهارم، همدرد پریس، دهلی، ۱۹۲۶ م.
۲. سعدی شیرازی، شیخ مشرف‌الدین: کلیات سعدی شیرازی، مطبع محمدی، بمبئی، رجب ۱۳۸۱ هـ/دسامبر ۱۹۶۱ م.
۳. غنی، دکتر قاسم: تاریخ عصر حافظ، انتشارات زوار، تهران، ۱۳۶۶ ه.ش.

۱. لاله سری رام: تذکره هزار داستان، معروف به خمخانه جاوید، جلد چهارم، همدرد پریس، دهلی، ۱۹۲۶ م. ص ۱۹۴.